

# نقدی بر نمایش زندگی در تئاتر اثر محمد برهمنی (نسخه PDF)

سلام به همه عزیزان و علاقه مندان به هنر در جزیره سینما و تئاتر وب سایت توسینسو ، مدتی هست که تصمیم گرفتم به عنوان هنر رشته بازیگری تئاتر رو انتخاب کنم و برم در کلاس های بازیگری شرکت کنم . طبیعی هست که با دیدن اینک دوستانم هر کدومشون در یک حوزه هنری ( موسیقی ، مجسمه سازی ، نقاشی و ... ) برای تفریح یا سرگرمی فعال هستند من هم دوست داشتم باشم یک هنر رو یاد بگیرم و باهاش زندگی کنم . هر چند موسیقی و مجسمه سازی و شعر و این چیزها زیاد به قواره من نمیخوره ! حقیقت من استعداد موسیقیایی ندارم ! استعداد کارهای ریز و دقیق ( مجسمه سازی و نقاشی و ... ) رو هم ندارم ولی خوب صدام بلنده ! ورزشکار هم هستم ! گفتم بازیگری برم یه ذره باعث میشه خودم هم تو زندگی کاریم همش درگیر نباشم . بگذریم تعریف از خودم رو که کنار بزارم ( یعنی اینقدر که من از خودم گفتم مشخصه آدم مغرور و خودنمایی هستم ) چند تا تئاتر رو رفتم و از نزدیک دیدم ، بهتر بگم کلا سه تا تئاتر به عمرم رفتم !



اولیش سالها پیش تئاتر زکریای رازی بود که با بازی میکائیل شهرستانی واقع لذت بردم و البته درس زندگی گرفتم ، دومیش همین چند وقت پیش بود که تئاتر میسیسیپی نشسته می میرد که با بازی سلبریتی ها همراه بود ! و آخرینش هم همین دیشب تئاتر زندگی در تئاتر بود که هر سه در نوع خودشون حرف هایی برای گفتن داشتن ، اما این آخری رو امروز می خوام نقد کنم یا بهتر بگم در موردش بنویسم چون فکر می کنم وقتی کسی میخواد بیاد تو رشته بازیگری باید حاشیه ها و خیلی از مواردیکه در ظاهر دیده نمیشه رو هم ببینه و از این لحاظ این نمایش بهم توصیه شد و رفتیم و دیدیم و البته لذت بریم . از هر چه بگذریم سخن دوست خوشتر است .



## نمایشنامه تئاتر زندگی در تئاتر

نمایشنامه به این شکل است که دو بازیگر مرد هستند که در دو صحنه متفاوت نقش بازی می کنند ، یکی صحنه تئاتر است و دیگری پشت صحنه زندگی بازیگران تئاتر ، یکی از بازیگران در اوج دوران هنری خودش قرار دارد و دیگری یک تازه وارد و در اصطلاح کامپیوتری Noob در تئاتر محسوب می شود. در ابتدای تئاتر تصور مخاطب به این شکل است که یک تئاتر مسخره و تیتروار را دارید می بینید که دارای یک سری دیالوگ های تند و تند است که باید پشت سر هم گفته شود ! اما کم کم که سکانس ها عوض می شوند متوجه می شوید که این نوع بازی در ابتدای تئاتر خودش جزئی از تئاتر بوده است و کم کم بهبود در اجرای بازیگران را به وضوح می بینید . بازیگر بزرگ تئاتر که در اوج دوران حرفه ای خودش است کمی تند در ابتدا با بازیگر تازه کار صحبت می کند در عین حال که همیشه تلاش می کند نکاتی را به او بگوید ! سکانس ها عوض می شوند و عوض می شوند و بازیگر تازه کار کم کم تبدیل به یک بازیگر حرفه ای می شود و حتی تا جایی پیش می رود که به نوعی از استاد خودش هم جلو می زند و منتقدین هم این موضوع را در نشریات چاپ می کنند .



نکات جالبی که در این تئاتر از نظر من نابازیگر و عوام به نظر مهم می رسید بیشتر بحث همزاد پندازی با یک استاد بود ! که کم کم احترام استاد از بین رفت و دانشجو خودش را برتر از استاد دید و کم کم شروع به تحقیر استاد کرد و باعث ناراحتی و رنجیدن او شد ! کار تا جایی پیش رفت که اگر در ابتدای سکانس اول بازیگر تازه کار به بازیگر قهار به عنوان استاد خطاب می کرد ! کم کم تبدیل به پیرمرد و بابابزرگ و کنایه و تیکه انداختن شد ! صحنه ای که بقض بازیگر مسن ترکیب واقعا یک همزاد پنداری جالبی برای من اتفاق افتاد که باعث شد من هم گریه کنم !! چه دانشجوها و چه افرادی که با خون دل آموزش دادم و برایشان زحمت کشیدم و وقتی به جایی رسیدند دیگر خبری از استاد گفتن نبود ! فراموش کردند که از کجا آمده اند ! از چه چیزی تبدیل به چه چیزی شده اند ! چه کسی آنها را کمک کرده است و الان چه شده اند ! فراموش می کنند که همین اتفاق برای خودشان همی می افتد ....

بصورت کلی از نظر من تئاتر بسیار جذابی بود ، واقعیت هایی که در دنیای تئاتر برای یک بازیگر ممکن است اتفاق بیوفتند . حاشیه هایی که ممکن است پیش بیاید ، تاثیر معروف شدن روی رفتار بازیگران ! تاثیر غرور در رشد و پیشرفت افراد و ... اینکه دو بازیگر کمتر شناخته شده به این خوبی بتوانند مردم را یک ساعت و چهل و پنج دقیقه در سالن میخکوب کنند قطعاً نشان دهنده قوی بودن بازیگران است . یکی از چیزهایی که خیلی در این تئاتر جلب نظر می کرد ، عدم استفاده از تیکه های جنسی برای خندانیدن مخاطبان بود که به نظر من طنز جذابی به همراه داشت . حالا با دیدن این تئاتر نمی دانم که واقعا این رشته هنری مناسب هم هست یا نیست ؟ !!! نظر شما را هم

## نکات جالب نمایش

در حین اجرای برنامه گوشی یکی از تماشاچی ها زنگ میخورد که خیلی روی اعصاب بود اما ظاهراً تقصیرش نبود و گوشی بین صندلی ها افتاده بود که بازیگر همین نکته رو هم تبدیل به طنز کرد که جالب بود ، از آمادگی جسمانی بازیگر جوان خیلی خوشم اومد ، مشخص بود که هم موسیقی بلد هست ( چون اول تئاتر داشت ساز دهنی میزد ) و هم ورزشکار بود ( احتمالاً ژیمناستیک یا رزمی ) و حرکات رو خیلی خوب انجام می داد. تیکه اول سکانس بازیگر معروف هم به نمایش های گرانتیتم امروزی توی تئاترهایی که فقط با حضور سلبریتی ها پول پارو می کنند هم در نوع خودش جالب بود.

• پ.ن : قطعاً نظر من یک دیدگاه عام و غیر تخصصی هست و اگر مواردی لازم هست بهش اضافه بشه خوشحال میشم در ادامه همین مطلب بشنوم

نویسنده : محمد نصیری

منبع : جزیره سینما و تئاتر وب سایت توسینسو

هرگونه نشر و کپی برداری بدون ذکر منبع و نام نویسنده دارای اشکال اخلاقی است

مطلب اصلی